

## مشهورترین محدث شیعه



به بهانه کنگره بین‌المللی بزرگداشت مقام و منزلت ثقة الاسلام کلینی(ره)، در 17 اردیبهشت ماه سال جاری، نگاهی به زندگی ثقة الاسلام کلینی رحمه الله، به قلم زنده یاد حجة الاسلام و المسلمین علی دوانی خواهیم داشت.

مشهورترین دانشمند فقیه و محدث نامی شیعه، در نیمه اول سده چهارم هجری، ثقة الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، معروف به «کلینی» یا «شیخ کلینی» است. کلینی اصالتاً ایرانی و از روستای «کلین» واقع در 38 کیلومتری شهرری و ناحیه جنوب غربی جاده قم - تهران، نزدیک حسن آباد کنونی است. به همین جهت، او را به لقب «رازی»، منسوب به «ری» هم می خوانند. (1)

یاقوت حموی، جغرافی دان نامی (م 626 ق) می نویسد:

استخری (زنده در 340 ق) گفته است که ری از اصفهان بزرگتر است و در مشرق، بعد از بغداد، شهری آبادتر از آن نیست؛ هر چند نیشابور از حیث وسعت بزرگتر از آن است. ری در طول و عرض يك فرسخ و نیم است و دارای روستاهایی است که هر کدام از يك شهر بزرگتر است. (2)

باری، ری و روستاهای آن، از روزگاران نخستین، جزو مراکز شیعه نشین بوده است؛ هر چند بیشتر مردم ری را سنیان حنفی و شافعی تشکیل می داده‌اند. آرامگاه پدر کلینی، یعنی یعقوب بن اسحاق - که از بزرگان شیعیان آن روز بوده - هم اکنون در قریه «کلین» بوده و زیارتگاه مردم آن سامان است. علان رازی (دایی کلینی) و جمعی دیگر از فقها و محدثان شیعه، همچون محمد بن عمام (شاگرد کلینی) هم از آن قریه بوده اند.

### موقعیت کلینی در جهان اسلام

ثقة الاسلام کلینی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام متولد شد، و با چهار سفیر و نماینده خاص امام زمان علیه السلام - که در طول غیبت کوتاه آن حضرت، رابط بین شیعیان و امام زمان علیه السلام بودند - هم عصر بود. با این‌که آن چهار تن، از فقها و محدثان بزرگ شیعه بودند و شیعیان آنها را به جلالت قدر می شناختند، ولی کلینی مشهورترین شخصیت عالی مقامی بود که در آن زمان، میان شیعه و سنی با احترام می زیست و به صورت آشکار به ترویج مذهب حق و نشر معارف و فضایل اهل بیت علیهم السلام همت می گماشت.

عموم طبقات، او را به راستی گفتار و درستی کردار و احاطه کامل بر احادیث و اخبار می ستودند؛ به طوری که نوشته اند شیعه و سنی در اخذ فتوا به وی مراجعه می کردند و در این خصوص، مورد وثوق و اعتماد هر دو فرقه بود. به همین جهت ملقب به ثقة الاسلام گشت و او نخستین دانشمند اسلامی است که به این لقب خوانده شده و حقا شایسته این لقب بزرگ هم بود. (3)

کلینی در امانت و عدالت، تقوا و فضیلت، حفظ و ضبط احادیث - که همه از شرایط يك فرد محدث موثق جامع شرایط بوده است - مانند نداشت. به گفته علامه محمد تقی مجلسی:

وی در میان تمام دانشمندان ما، و آنها که از او روایت کرده‌اند، همچنین در نظم و ترتیب کتابش الکافی بی نظیر بوده، و این مزایا دلیل است که وی از جانب خداوند متعال تأییدات خاصی داشته است. (4)

### کلینی در نظر دانشمندان شیعه

شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی، پیشوای فقهای شیعه (م 460 ق)، در کتاب گرانقدرش الرجال، باب «کسانی که از ائمه روایت نکرده اند»، می نویسد: ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، دانشمندی جلیل‌القدر و عالم به اخبار و احادیث بود. او دارای تصنیفاتی است که در کتاب الکافی تدوین شده است. در ماه شعبان سال 329 ق، وفات یافت، و در محله «باب الکوفه» مدفون گردید. ما کتاب‌های او را در الفهرست آورده ایم. (5)

و در الفهرست، تمام کتاب‌های الکافی و چند کتاب دیگر کلینی را - که خواهیم شناخت - نام می برد، سپس طرق روایات خود را به آنها از استادانش شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، سید مرتضی و احمد بن عبیدون بازگو می کند. (6)

دانشمند گرانقدر رجالی، ابوالعباس احمد بن علی بن عباس، معروف به «نجاشی» (م 450 ق)، در کتاب نفیس و نامدارش الرجال - که او را نامی ترین دانشمند رجالی شیعه دانسته اند و الرجال خود را بعد از الفهرست و الرجال شیخ طوسی نگاشته است - از کلینی، دانشمند بلندآوازه ما، بدین‌گونه یاد می کند:

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، علان کلینی رازی دایی اوست. محمد بن یعقوب کلینی، در زمان خود پیشوای علمای شیعه و چهره درخشان آنها در ری، و موثق‌ترین دانشمند شیعه در حدیث و ضبط آن بوده است. کتاب بزرگش... به نام الکافی را در مدت بیست سال تصنیف کرده است... .

سپس کتاب‌های الکافی و دیگر تألیفات کلینی را با شرحی که خواهیم نگاشت، ذکر می کند. (7)

پس از شیخ و نجاشی که پیشوای علمای رجال و تراجم هستند، سایر دانشمندان بزرگ ما هر جا به نام کلینی برخورد نموده، یا از کتاب بزرگ و نامدارش لکافی نام برده‌اند، از وی به عنوان موثق‌ترین دانشمند شیعه در فهم، نقل، ضبط حدیث، حسن ترتیب و تنظیم کتابش الکافی یاد کرده اند.

این شهرآشوب مازندرانی، علامه حلی و ابن داود، طبق معمول، همان تعبیرات شیخ و نجاشی را در ستایش وی آورده اند.

سید بن طاووس (م 664 ق) می نویسد:

وثاق و امانت کلینی در نقل حدیث، مورد اتفاق عموم دانشمندان ماست. (8)

شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهابی) می گوید:

محمد بن یعقوب در عصر خود، استاد علمای زمان خویش و سرآمد آنها و موثق‌ترین دانشمندان در نقل حدیث بود. او در نقد و بررسی حدیث، از همه کس آشناتر و بر همگان تقدم داشت. (9)

ملاً خلیل قزوینی فقیه و محدث مشهور، در شرح فارسی اصول الکافی می نویسد:

دوست و دشمن به فضلش اعتراف کرده اند. (10)

علّامه مجلسی، در مرآة العقول شرح اصول الکافی نوشته است:

کلینی مورد قبول طوائف ایام و ممدوح خاص و عام بود. (11)

میرزا عبدالله اصفهانی، مشهور به افندی، دانشمند نامی و شاگرد علّامه مجلسی می نویسد:

منظور از «ثقة الاسلام» در اغلب موارد (در کتب رجال) ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی صاحب الکافی و غیره، یعنی شیخ اقدم و مسلم بین عامه، خاصه و مفتی هر دو فرقه است. (12)

میرزا محمد نیشابوری، محدث اخباری می نویسد:

ثقة الاسلام، قُدوة الاعلام و بدر تمام، جامع سنن و آثار در حضور سفرای امام زمان علیه السلام، زنده کننده طریقه اهل بیت در رأس سده سوم هجری... (13). کلینی در نظر دانشمندان عامه

کلینی در نظر دانشمندان عامه، مخصوصاً نزد مورخان آنها که بعد از او آمده‌اند، بسیار بزرگ است. همه از وی تجلیل کرده و او را به عظمت و بزرگواری ستوده‌اند. ابن اثیر جزری (14) در کتاب مشهور جامع الاصول می نویسد:

ابوجعفر محمد بن یعقوب رازی - از پیشوایان مذهب اهل بیت علیهم السلام - دانشمندی بزرگ و فاضلی نامدار است.

سپس در حرف «ن» از کتاب «نبوت»، او را تجدید کننده مذهب شیعه، در سده سوم هجری دانسته است.

ابن اثیر روایتی از پیغمبر صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرموده است:

خداوند سر هر قرنی، شخصی را برمی انگیزد که دین او را زنده و نامدار بدارد. (15)

آن‌گاه به گفتگو درباره این حدیث پرداخته و می گوید:

از مجددین و احیا کنندگان مذهب شیعه، در آغاز سده اول هجری، محمد بن علی باقر (امام پنجم) و در ابتدای سده دوم، علی بن موسی الرضا، و بر رأس سده سوم، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی بوده‌اند. (16)

از نوشته ابن اثیر، به خوبی مقام و موقعیت کلینی آشکار می شود و می رساند که او در پایان سده سوم و آغاز قرن چهارم هجری، بلندآوازه ترین دانشمند شیعه بوده که او را پس از دو امام، مجدد مذهب دانسته است.

برادر کوچک‌تر ابن اثیر (عزالدین علی بن اثیر جزری)، نیز در آغاز حوادث سال 328ق، در کتاب الکامل فی التاریخ، کلینی را نخستین دانشمندی دانسته که در آن سال چشم از جهان فرو بسته است و می نویسد:

محمد بن یعقوب ابوجعفر کلینی - که از پیشوایان شیعه و دانشمندان آنها بود - در این سال وفات یافت. (17)

باید توجه داشت که دانشمند و محقق معاصر، دکتر حسینعلی محفوظ، در مقدمه الکافی، ص 21، عبارت جامع الاصول را به اشتباه از علی بن اثیر، در الکامل نقل کرده و تصور نموده که صاحب جامع الاصول و الکامل یک نفر بوده است.

فیروزآبادی، دانشمند لغت‌دان بزرگ (م 818 ق) در القاموس المحيط در لفظ «کلین»، از کلینی یاد کرده و او را از فقهای شیعه دانسته است. (18)

ابن حجر عسقلانی (م 852 ق) در کتاب مشهورش لسان المیزان - که شرح حال علمای عامه و گاهی خاصه را تا زمان خویش به اجمال و تفصیل آورده است - درباره دانشمند بزرگ ما می‌نویسد:

محمد بن اسحاق ابوجعفر کلینی رازی در بغداد ساکن بود و در آنجا از محمد بن احمد جبار و علی بن ابراهیم بن عاصم و دیگران روایت می‌کرد. کلینی از فقهای شیعه و کسی است که بر وفق مذهب آنها، کتاب‌های زیادی تصنیف کرده است. (19)

و نیز ابن حجر در کتاب دیگرش التنبیر گفته است:

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، از رؤسای دانشمندان شیعه است که در زمان مقتدر (خلیفه عباسی) می زیست. (20)

جز اینان، سایر دانشمندان عامه نیز هرجا به نام کلینی رسیده‌اند، از وی به عنوان دانشمندی بزرگ و فقیهی نامدار و یکی از پیشوایان پیشین شیعه یاد کرده‌اند.

### استادان کلینی

ثقة الاسلام کلینی در ری، قم، بغداد، کوفه و دیگر نقاط دور و نزدیک ممالک اسلامی - که امروز برای ما درست روشن نیست - در نیمه دوم سده سوم هجری، دانشمندان بزرگ، فقها و محدثان بسیاری را ملاقات کرده و از خرمن معلومات و محفوظات آنها خوشه‌ها چیده و بهره‌ها گرفته و از آنان به دریافت اجازات نایل شده است؛ که این اجازات نیز در آن زمان‌ها از آن بزرگ‌مردان به چنین رادمردی، بسیار باارزش بوده است. در کتب رجال و تراجم، بالغ بر چهل نفر از فقها و محدثان را نام می‌برند که از استادان و مشایخ اجازه وی به شمار رفته‌اند و کلینی در نزد آنها شرایط شاگردی به جای آورده است.

گذشته از چندتن از علمای عامه که ابن حجر عسقلانی نام برده است، این عده از مفاخر فقها و محدثان شیعه که در جلد اول و دوم مفاخر اسلام شناختیم و از آنها به اجمال و تفصیل نام بردیم، از مشاهیر استادان ثقة الاسلام کلینی - این دانشمند پیشین شیعه - بوده‌اند. (21)

احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن ادریس قمی (م 306ق)، احمد بن محمد بن سعید همدانی، معروف به ابن عقده (333ق)، احمد بن محمد بن عاصم کوفی، احمد بن مهران، اسحاق بن یعقوب، حسن بن حنیف، حسن بن فضل بن یزید یمانی، حسین بن حسن حسینی اسود، حسین بن حسن هاشمی حسینی علوی، حسین بن علی علوی، حسین بن محمد بن عمران اشعری قمی، حمید بن زیاد نینوایی (310ق)، داود بن کوره قمی، سعد بن عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن ابراهیم قمی (م 307ق)، علی بن حسین سعدآبادی، علی بن عبدالله خدیجی اصغر، علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی (دایمی وی، معروف به علان رازی)، علی بن محمد بن ابی قاسم بندار، عبدالله بن احمد بن عبدالله برقی، (22) علی بن موسی بن جعفر کمیدانی، قاسم بن علاء، ابوالحسن محمد بن عبدالله اسدی کوفی (ساکن ری)، محمد بن حسن صفار (290ق)، محمد بن علی بن معمر کوفی، محمد بن یحیی عطار، جمعا 35 نفر، و غیر اینان.

### شاگردان کلینی

این عده از فقها و محدثان بنام شیعه، که مشاهیر علمای ما در نیمه اول و اواسط سده چهارم هجری در ایران و عراق بوده‌اند و استادان بسیاری از علمای نامی نیمه دوم سده چهارم هستند، از جمله شاگردان کلینی (مؤلف الکافی) به شمار می‌روند.

احمد بن ابراهیم، معروف به ابن ابی رافع صیمری، احمد بن کاتب کوفی، احمد بن علی بن سعید کوفی، احمد بن محمد بن علی کوفی، ابوغالب احمد بن محمد زراری (285 - 368ق)، جعفر بن محمد بن قولویه قمی (368ق)، عبدالکریم بن عبدالله بن نصر بزاز تنیسی، علی بن احمد بن موسی دقان، محمد بن ابراهیم نعمانی، معروف

به این ابی زینب - که از شاگردان مخصوص و نزدیکان او بود و کتاب الکافی او را نسخه برداری کرده است - ، محمد بن احمد صفوانی، مقیم بغداد - که او نیز از شاگردان مخصوص او بود و کتاب الکافی را رونوشت کرده و از کلینی علم و ادب آموخته و به دریافت اجازه قرائت حدیث، نایل آمده است - ، محمد بن احمد سنانی زاهری، مقیم ری، ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی، محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن محمد بن عصام کلینی، هارون بن موسی تلکبری شیبانی (م 385ق)، جمعا پانزده نفر، و افرادی دیگر از قبیل بزرگان.

#### تالیفات کلینی

شیخ اجل طوسی، و نجاشی دانشمند رجالی، جمعا این کتابها را جزء تالیفات کلینی به شمار آورده اند:

1. کتاب الرجال،
2. کتاب الردّ علی القرامطة، (23) ،
3. کتاب رسائل الاثمة عليهم السلام ،
4. کتاب تعبیر الرؤیاء،
5. مجموعه شعر (مشمتمل بر قصایدی که شعرا در مناقب و فضایل اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام گفته اند)، 6. کتاب الکافی (که جداگانه از آن یاد می کنیم).

#### وفات و مرقد کلینی

ثقة الاسلام کلینی - این محدث عظیم الشان پیشین که در دنیای آن روز چشم و چراغ شیعه و سند افتخار دانشمندان بغداد، اعم از خاصه و عامه بود - پس از آن همه رنج و کوشش و تألیف و تصنیف و رواج و رونق مکتب خردپسند اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام ، سرانجام در سال 328 یا 329 - که مصادف با مبدأ غیبت کبرای امام زمان علیه السلام بود - در همان شهر بغداد چشم از جهان فروبست و مرغ روح بلند پروازش به آشیان جنان پرواز کرد. آرامگاهش امروز در ناحیه شرقی نهر دجله، کنار جسر (پل) قدیم بغداد، معروف و زیارتگاه مسلمانان است. (تولد کلینی شناخته نشده است.)

شیخ طوسی در الفهرست، سال وفات کلینی را 328 ق ضبط کرده، ولی نجاشی در الرجال، و خود شیخ نیز در الرجال - که هر دو بعد از الفهرست تألیف شده اند - تصریح کرده اند که کلینی در سال 329 ق وفات یافت؛ ما نیز این تاریخ را معتبر می دانیم. در این سال، شیخ اجل ابوالحسن صیمری - نایب چهارم امام زمان علیه السلام - نیز وفات یافت و با رحلت او، غیبت کبری و طولانی آن حضرت آغاز شد، و جامعه شیعه در وضع خاصی قرار گرفت. ولی وجود کتاب الکافی، همچون ستاره درخشانی، شبستان تاریخ امید و آمال شیعیان را روشن ساخت، تا این که دانشمندان بعدی به تعمیم و توسعه کار کلینی و نورپاشی بیشتر آثار اهل بیت عصمت عليهم السلام پرداختند.

\*. این مقاله از کتاب مفاخر اسلام، ج 3، ص 40 گرفته شده است.

1. شهید سعید قاضی نورالله شوشتری، در حاشیه مجالس المؤمنین، جلد اول، چاپ اسلامی، صفحه 92 می نویسد: «به خط قطب الدین رازی دیده ام که نوشته است: ری هنگام نسبت، باید «رینی» خوانده شود. علت اضافه «ز» این است که دو نفر به نامهای «ری» و «راز» آن شهر را ساختند و چون خواستند نامی بر آن بگذارند، دچار اختلاف شدند. سپس بنا گذاشتند که آن شهر را به نام یکی، «ری»، و هنگام نسبت به نام دیگری، «رازی» بخوانند.
2. معجم البلدان، ج 3، ص 117.
3. جای تأسف است که در آن روزگار ، لقب «ثقة الاسلام»؛ یعنی دانشمندی که مورد وثوق و سند وثاقت اسلام و مسلمین است، آن قدر اهمیت داشته که برای اولین بار، کلینی سرآمد دانشمندان و فقها و محدثان شیعه را بدان منسوب کرده اند و امروز به قدری الفاظ و اسامی و القاب ارزش خود را از دست داده است، که به هر بی سر و پا و بی سواد ریاکار هم «ثقة الاسلام» می گویند! بر عکس نهند نام زنگی کافور!!
4. شرح مشیخه من لا یحضره الفقیه، ص 267.
5. رجال الطوسی، ص 495.
6. الفهرست، شیخ طوسی، ص 135.
7. رجال النجاشی، ص 266.
8. مقدمه الکافی.
9. همان، به نقل از وصول الأخیار، ص 69 .
10. همان.
11. مرآة العقول، ج 1، ص 3.
12. مقدمه الکافی.
13. همان.
14. ابن اثیر جزری، نام سه برادر دانشمند از علمای عامه است. آنها از مردم جزیره نزدیک موصل بوده اند و لقب جزری منسوب به آنجاست. برادر اول، مبارک بن ابی الکریم اثیرالدین محمد جزری (م 606ق در موصل)، مؤلف کتاب های النهایة و جامع الاصول، برادر دوم، عزالدین علی بن اثیر (م 630ق)، مؤلف کتاب های اسدالغابة فی معرفة الصحابة، اللباب فی تهذیب الأسماء، و الکامل فی التاریخ، برادر سوم، نصرالله بن ابی الکریم (م 637ق)، منشی و کاتب، صاحب کتاب المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر و غیره، مدفون در کاظمین.
15. اصل حدیث این است: ان الله یبعث لهذه الأمة فی رأس کل مائة سنة من یتجدد لها دینها.
- این اثیر یک یا چند نفر از خلفا، علما و عرفای سنی را هم نام می برد که بر سر هر صد سالی، مجدد، نگهبان و احیاکننده اسلام بودند. این حدیث از احادیث عامه است، ولی بسیاری از علمای فریقین به آن استناد جسته و کسانی را به نام مجدد مذهب ذکر کرده اند. نویسنده این سطور، خود نظری ندارد.
16. الرجال، ابوعلی حائری، ص 298، به نقل از تعلیقه وحید بهبهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ص 525.
17. الکامل، ابن اثیر، ج 6، ص 274.
18. قاموس الرجال، ج 4، ص 256.
19. لسان المیزان، ج 5، ص 433.

20. روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ص 525.

21. استادان و شاگردان کلینی را، از مقدمه الکافی و شرح حال کلینی می آوریم.

22. در مقدمه الکافی به جای وی، علی بن محمد برقی نام برده که درست نیست.

23. قرامطه، فرق های بودند که عقیده داشتند اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام، امام غایب است و در حقیقت، همان اسماعیلیه نخستین بودند. علت تسمیه آنها به قرامطه یا قرمطی، این است که اولین بار شخصی به نام «قرمط» از مردم حومه کوفه، چنین ادعایی کرد و پیروان او به نام وی خوانده شدند. قرامطه به مرور ایام، سخت به انحراف در عقیده و اعمال کشیده شدند و بر ضد عموم مسلمین شورش های زیادی کردند.  
به کوشش امیرمحسن سلطان احمدی